

مصر باستان

○ مرتضی تهمانی

نیل را در شکل‌گیری تمدن مصر مؤثر می‌داند و می‌نویسد: «مصر منطقه‌ای سبز و حاصلخیز مثل یک بوته بزرگ گل در میان صحرا است، رودی باریک به طول ۱۱۰۰ کیلومتر و خاک بارور دره نیل ریشه‌های این بوته گل را تشکیل می‌دادند.» وی به نقل از **هرودوت** می‌نویسد: «مصر، عطیه رود نیل است.» علاوه بر این مطالب، مؤلف نقش‌های دیگری را برای رود نیل قائل است که می‌توان اینگونه بیان کرد:

- ۱- کمک به دفع دشمنان
 - ۲- راه ارتباطی منحصر به فرد میان روستاها.
 - ۳- فراعنه را قادر می‌ساخت مصر را از نظر سیاسی متحد کنند.
 - ۴- نهایتاً به‌وجود آمدن شهرها و رشد حکومت در ادامه بیان شده است.
- فصل یا بخش دوم درباره سلطنت قدیم «عصر عظمت مصر» است که از حدود ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد با قدرت یافتن **منس (نارمر)** بر مصر سفلی شروع می‌شود. مؤلف اختراع کاغذ از «نی پاپیروس» و به‌وجود آمدن **خط هیروگلیف**، و وضع مالیات‌ها را از مشخصات شروع این دوره می‌داند؛ دوره‌ای که تا حدود سال ۲۲۰۰ قبل از میلاد ادامه یافت و فراعنه با اقتدار حکومت کردند، مؤلف بدون بیان اینکه فراعنه چه کسانی بودند و چگونه قدرت یافتند، به نقش و قدرت آنان می‌پردازد و می‌نویسد: «فراعنه با استبداد و قدرت مطلق حکمروایی کردند و یک نظام متمرکز حکومتی ابداع نمودند که در طول تاریخ مصر باستان حفظ شد. دولت مرکزی در **ممفیس**، تاسیس شد تا تمام فعالیت‌های محلی مناطق مختلف که **نومس (Noms)** نامیده شدند، یعنی بیست و دو حکومت محلی در مصر علیا و بیست حکومت محلی در مصر



Egypt of the Pharaohs ○

○ تألیف: براندا اسمیت

○ ترجمه: ازینا یاسایی

○ تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰

مقدمه:

تاریخ، شناسنامه و عامل وحدت و انسجام یک ملت است و اگر منطقی و درست از آن استفاده شود، عامل پیوند و وحدت بین کشورها نیز می‌تواند باشد. کشور مصر که در شمال شرقی قاره آفریقا قرار دارد، یکی از قدیمی‌ترین مراکز تمدن جهان به‌شمار می‌رود و از گذشته دور با کشور ما ارتباط تاریخی داشته و هم‌اکنون نیز یک ارتباط تاریخی و مذهبی دارد. در حال حاضر که بحث دهکده جهانی مطرح است و کشورهای مسلمان نیز، اتحادیه جهان اسلام را تشکیل داده‌اند و زمینه همکاری و وحدت بیشتر فراهم آمده است، توجه به تاریخ می‌تواند به این امر کمک شایانی بکند. متأسفانه منابع در مورد کشورهای اسلامی به‌ویژه دوره باستان اندک است و منابع در زمینه تاریخ مصر باستان به زبان فارسی که موضوع این بحث است، از تعداد انگشتان یک دست کمتر است. اگرچه در تاریخ‌های عمومی و تمدنی، مطالبی درباره «تاریخ مصر باستان» نوشته شده است، ولی کافی نیست و لازم است که مؤلفان و مترجمان ایرانی اقدامات بیشتری در زمینه آشنایی با تاریخ کشورهای اسلامی به‌ویژه مصر فراهم آورند تا دو کشور قدرتمند مصر و ایران که برخوردار از تمدنی غنی، در دو قاره جهان هستند، بیشتر بتوانند در گسترش فرهنگی و وحدت جهان اسلام، قدم بردارند.

معرفی کتاب:

مطالب کتاب با نمایه رویدادهای مهم تاریخ مصر باستان و پیشگفتار شروع می‌شود و سپس تاریخ مصر از ریشه‌های تمدن تا افول و میراث مصر، در هشت قسمت یا بخش ارایه گردیده است در پایان

سفلی را هدایت و نظارت نماید. حاکمان محلی زیر نظر وزیر بودند و به او گزارش می‌دادند وزیر همچنین به کار کاتبان، جمع‌آوری مالیات‌ها، کشت و زرع و سیستم آبیاری نظارت می‌کرد و مسؤول نظام قضایی بود و گاهی سرپرستی معماران سلطان را هم به عهده می‌گرفت.

در ادامه خدایان و الهه‌های مصری معرفی شده‌اند:

«مصریان علاوه بر اینکه فرعون را خدا می‌دانستند حدود دو هزار خدای دیگر داشتند؛ از خدایان مهم مانند **أمون (Amun)**، **رع (Re)**، **تحتوت (Thut)**، **آنویس (Anobis)**، **ایزیس (Isis)**، **ازیریس (Osiris)** و زندگی دوباره مرده در ادامه بحث شده است. و به نقل از هرودوت نوشته است: «مصری‌ها بیش از هر ملتی در جهان، مذهبی هستند.»

اهرام ثلاثه مصر که امروز یکی از عجایب هفتگانه عالم به‌شمار می‌روند در دوره قدیم (سلسله چهارم) بنا شد، مؤلف در مورد هرم اعظم که همان **هرم خوفو (Khufu)** است می‌نویسد: «این هرم صد و پنجاه متر بالاتر از سطح زمین بود و بیش از سی‌زده هکتار مساحت داشت که تقریباً به اندازه مساحت نود زمین فوتبال است.» وی اهرام را نماد سلطه فراعنه قدیم بر تمام جوانب زندگی مصر باستان بیان کرده است.

فصل یا بخش بعدی درباره جامعه مصر در ممفیس در دوران سلطنت قدیم است، ممفیس ابتدا با نام **اینه هج (Ineh - Hedj)** (دیوار سفید) به دستور **رامسس** به عنوان پایتخت ساخته شد و مرکز حکومت سلسله قدیم بود. در ادامه به وضعیت زندگی فرعون، اشراف و درباریان و وضعیت زنان پرداخته شده است. در مورد زنان آمده است: «آنها می‌توانستند صاحب ملک و دارایی باشند و آن را به ارث بگذارند و نیز می‌توانستند درخواست طلاق بکنند و حق سرپرستی فرزندان خود را نیز داشته باشند.»

مباحث دیگر این فصل درباره منجمان، پزشکان، پیشه‌وران، کاتبان، نحوه آموزش و وضعیت کارگران است. در مورد خورد و خوراک اشراف مصری آمده است: «صبح بعد از شست و شو یک خانواده اشرافی، صبحانه‌ای که می‌خورد، شامل: شراب، میوه، نان ادویه‌دار، عسل و خرما بود.» در آخر این بحث در مورد خورد و خوراک طبقه کارگر نوشته است که بعد از شست و شو در رودخانه صبحانه او عبارت بود از: نان خیسانده در آبجو.

قسمت بعدی، دوران حاکمیت هرج و مرج در مصر است که از سال ۲۲۰۰ تا ۲۰۴۰ (قبل از میلاد) را شامل می‌شود. مؤلف مطالبی در مورد چگونگی شکل‌گیری هرج و مرج بیان می‌دارد که آنها را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱- تغییر آب و هوا و بروز قحطی؛

۲- ناتوانی فراعنه در بهبود اوضاع و در نتیجه افزایش نفرت بین دو طبقه پایین و بالای اجتماع؛
۳- افزایش حملات قبایل بدوی به مرزهای مصر.

در نتیجه این اوضاع، فراعنه برای جلب‌نظر خدایان، هدایا و دارایی‌های زیادی را به معابد تقدیم کردند و معابد را از پرداخت مالیات معاف نمودند که این امر باعث افزایش قدرت معابد و کاهش وابستگی اقتصادی آنها شد. در حالی که قدرت فرعون رو به تحلیل می‌رفت. در این میان حاکمان محلی از فرصت استفاده کردند و با اقداماتی که در تامین امکانات برای حوزه قلمرو خود فراهم کردند در جلب‌نظر مردم موفق شدند و دم از استقلال زدند، این دوره هرج و مرج با پیروزی پادشاهان سلسله یازدهم به پایان رسید.

مطلب بعدی، دوره سلطنت میانه است. این دوره شامل سلسله‌های یازدهم و دوازدهم می‌شود که از سال ۲۰۴۰ تا ۱۶۷۴ قبل از میلاد ادامه یافت، با روی

خود را برای فرزندان به ارث بگذارد.
ب- ملحق شدن به ازیریس پس از مرگ بدون توجه به نژاد و نسب.
۵- موروثی کردن حکومت.

در این دوره کیش **أمون** - رع پدید آمد؛ مجسمه‌سازی و معماری رونق یافت و ادبیات به اوج رسید، بازرگانی و کشاورزی نیز گسترش یافت. از سلسله سیزدهم که پادشاهان ضعیف، قدرت را به دست گرفتند، فرمانروایان محلی مانند گذشته مستقل شدند و مصر دوباره تقسیم شد. در این زمان از سمت شرق، اقوامی که مصری‌ها آنها را **هیگسوس (Hyksos)** - حاکم بر سرزمین‌های بیگانه - می‌نامیدند به مصر هجوم آوردند، آنها با استفاده از ارابه‌های جنگی که تا آن زمان برای مصری‌ها ناشناخته بود، بر مصر غلبه یافتند و به عنوان فراعنه سلسله پانزدهم تا هفدهم، بر مصر سفلی حکمرانی کردند (۱۵۷۸ قبل از میلاد) مؤلف تأثیر هیگسوس‌ها را بر مصر، احیای وحدت و قیام

براندا اسمیت، موقعیت جغرافیایی مصر، به خصوص رود نیل را در شکل‌گیری تمدن مصر، مؤثر دانسته و علاوه بر این، نقش‌های دیگری را نیز برای رود نیل قایل است که از آن میان می‌توان به: ۱- کمک به دفع دشمنان، ۲- راه ارتباطی منحصر به فرد میان روستاها ۳- متحد کردن مصر، از نظر سیاسی توسط فراعنه ۴- توسعه روستاها و در نهایت به وجود آمدن شهرها و رشد حکومت اشاره کرد

علیه بیگانگان ذکر کرده است. فصل ششم سلطنت جدید امپراتوری مصر است که از سال ۱۵۵۲ تا ۱۰۶۹ قبل از میلاد ادامه یافت. **اهمس (Ahmus)** با اقداماتی به شرح زیر بیگانگان را از مصر بیرون کرد و وحدت سیاسی را برقرار نمود:

- ۱- استفاده از ارابه‌های اسب‌دار که هیگسوس‌ها، معرف آن بودند.
- ۲- تقسیم‌بندی جدید مناطق و منصوب کردن تعدادی از کارگزاران وفادار به خود.
- ۳- به جای یک وزیر، دو وزیر منصوب کرد.
- ۴- قطع قدرت سیاسی اشراف و تصرف زمین‌های آنها.
- ۵- ایجاد زمینه کسب موقعیت‌های بهتر برای طبقه میانی اعم از نظامی و غیره. از نکات قابل توجه این دوره

کار آمدن سلسله یازدهم قدرت در جنوب (مصر علیا) متمرکز و تب (طیوه)، مرکز سیاسی حکومت شد. پادشاهان این سلسله با به‌کار بردن روش‌های مختلف توانستند وحدت مصر را دوباره بازگردانند و قلمرو خود را از نوبه، در جنوب تا سوریه، در شمال گسترش دادند. اقدامات آنان را طبق نوشته مؤلف می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

- ۱- نصب حاکمان جدید در بعضی مناطق؛
- ۲- تعیین خطوط مرزی ولایات (نومها) و کوچک کردن آنها؛
- ۳- انتقال پایتخت از طیوه به فیوم، جهت کنترل بیش‌تر بر ایالات شمالی؛
- ۴- اقداماتی جهت کسب حمایت‌های مردمی شامل:
الف: رواج ارث، هر شخصی می‌توانست زمین

قدرت‌گیری خانم **حتشپسوت (Hatshepsut)** است که حدود ۲۰ سال حکومت کرد، گسترش قلمرو مصر چنان که در پایان حکومت **توحتمس سوم (thatmos III)**، مصر از شمال به رود فرات تا مرز بین‌النهرین و در جنوب به آبشار چهارم نیل می‌رسید.

مؤلف در ادامه بحث با عنوان فرعون عصیانگر از **آمنحوتپ چهارم (Amunhotep IV)** نام می‌برد که مذهب مصر را تغییر داد و پرستش **آتون (Aten)** یعنی خدای خورشید را رواج داد و نام خود را نیز به **اخناتون (Akhenaten)** (او کسی است که برای آتون سودمند است) تغییر داد اما با مرگ وی دوباره کیش آمون - رع برقرار شد و گسترش یافت. پادشاهی **رامسس دوم (Ramses II)** در این دوره از طولانی‌ترین حکومت‌های فراعنه مصر است، با توجه به اقدامات قبلی، قدرت اقتصادی و سیاسی در زمان وی به اوج رسید؛ رامسس دوم بناهای متعددی در مصر ساخت، چنانکه گفته شده است: «بناهای او مثل ستاره‌های آسمان است.»

فصل هشتم، افول مصر است، مؤلف علت افول

در دست کاهنان قرار گرفت، این دوره انحطاط تا سال ۶۶۳ قبل از میلاد ادامه یافت، از این زمان با قدرت یافتن **پسامتیک دوم (Psammetique II)**، سلسله بیست و ششم پایه‌گذاری شد. اگر چه فراعنه این دوره برای احیاء عظمت گذشته مصر کوشیدند ولی موفقیت چندانی به دست نیاوردند با حمله هخامنشیان در سال ۵۲۵ قبل از میلاد، مصر به تصرف هخامنشیان درآمد، تا سال ۳۳۲ قبل از میلاد این امر کم و بیش ادامه یافت تا اینکه با غلبه اسکندر مصر به مدت ۳۰۰ سال به تصرف یونانی‌ها درآمد. در سال سی قبل از میلاد، مصر قسمتی از امپراتوری روم شد و در سال ۶۴۰ میلادی اعراب مسلمان مصر را فتح کردند.

مؤلف می‌نویسد با فتح اعراب مسلمان به نظر می‌رسد تمدن باستان مصر از بین رفته است. آیا واقعا این طور است؟

فصل هشتم و آخرین بخش کتاب در مورد میراث مصر باستان است که مؤلف با عنوان‌های مستقیم و غیرمستقیم به بیان مواردی که از تمدن

در سال ۵۲۵ قبل از میلاد، مصر به تصرف هخامنشیان درآمد، تا سال ۳۳۲ قبل از میلاد، این امر کم و بیش ادامه یافت تا اینکه با غلبه اسکندر، مصر به مدت ۳۰۰ سال به تصرف یونانی‌ها درآمد. در سال سی قبل از میلاد، مصر قسمتی از امپراتوری روم شد و در سال ۶۴۰ میلادی، اعراب مسلمان، مصر را فتح کردند

مصر به تمدن‌های دیگر انتقال یافته می‌پردازد که به اختصار عبارت‌اند از:

الف) میراث مستقیم:

- ۱ - محصولاتمانند کتان و شیشه و حتی پشه‌بند از مصر به سراسر جهان راه یافت.
- ۲ - دانش پزشکی.
- ۳ - علم ریاضی، حتی هندسه که هرودوت معتقد است: هندسه، منشأ مصری دارد.
- ۴ - هنر معماری و تأثیری که بر معماری یونان و روم گذاشت که آثار آن تا امروز ادامه دارد.

ب) میراث غیرمستقیم:

- ۱ - تقویم (شباهت‌هایی بین تقویم مصری و تقویم امروزی غرب وجود دارد).
- ۲ - اختراع پایپروس که به پایه‌گذاری تمدن

غرب کمک کرده است.

۳ - ادبیات مصر و تأثیر آن از جمله بر عبری‌های فلسطینی.

در پایان مؤلف می‌نویسد: «اگرچه از زمان نابودی این تمدن هزاران سال می‌گذرد، جهان عمیقاً مرهون مصری‌های باستان است.»

نکات قابل توجه:

۱ - بیان منابع به تفکیک هر بخش و به صورت کلی و همچنین ذکر منابع برای مطالعه بیشتر از نکات قوت کتاب است.

۲ - استفاده از تصاویر و گزیده‌هایی از سایر منابع بر تکمیل بحث و ارایه اطلاعات بیشتر کمک خوبی کرده است.

۳ - نظر به اینکه از دوره قدیم تا تسلط اسکندر حدود سی سلسله و از هر سلسله تعدادی پادشاه حکومت کرده‌اند، مؤلف از بیان نام همه پادشاهان و موارد دیگر خودداری کرده است و نام فراعنه‌ای که مؤثرتر بودند بیان کرده است که همین امر از پیچیدگی و غامض شدن مطالب جلوگیری کرده است.

۴ - از آنجا که منابع به زبان فارسی در مورد مصر باستان بسیار اندک است، مطالعه این کتاب، اطلاعات منسجم و خوبی به خواننده می‌دهد.

۵ - مؤلف در بیان مطالب به ریشه‌ها و علل حوادث و وقایع توجه کرده و ساده و روان علل آن را برشمرده است.

۶ - مترجم با ترجمه‌ای خوب، بر روانی و جذابیت مطالب افزوده است.

نکات قابل تذکر:

۱ - مؤلف مطلبی درباره خود و سوابقش ارایه نکرده است.

۲ - بهتر بود نمایه حوادث در آخر کتاب ذکر می‌شد.

۳ - مؤلف بحث اوضاع اجتماعی، اقتصادی و مذهبی مصر را در مصر قدیم خلاصه کرده است، اگرچه در هنگام بحث دایره مطالب را وسعت داده است ولی حق این بود که مطالب در آخر کتاب و با نگرش کلی‌تر بر تاریخ مصر باستان بیان می‌شد، دیگری اینکه تلاش مصری‌ها بیش‌تر به زندگی برای دنیای دیگر، که از نظر آنها حیات جاودان بود مصروف می‌شد. ساخت معابد و مقابر، مومیایی کردن اموات و غیره به همین منظور بود. بنابراین مرگ و توجه به زندگی در دنیای دیگر، نقش غالب در زندگی مصری‌ها داشت که مؤلف به طور خلاصه به بیان آن پرداخته است.

۴ - در بحث هیکسوس‌ها، هیچ اشاره‌ای به اصل و نسب و علت هجوم ایشان به مصر نشده است.